

روش‌شناسی نقد کتاب توسط علامه میر حامد حسین هندی در عبقات الانوار و منبع‌شناسی عبقات الانوار

محمد ایلیا یعقوبی *

چکیده

شاه عبدالعزیز دهلوی در باب هفتم کتاب تحفه اثنا عشریه، از میان ده‌ها روایت، دوازده روایت را که شیعه توسط آن به حقانیت خود استناد می‌ورزد را مورد خدشه قرار داد. علامه میر حامد حسین هندی با نوشتن عبقات الانوار ردیه‌ای بر این باب نگاشت تا به ادعاهای شاه عبدالعزیز و سایر مخالفین پاسخ دهد و با بررسی تفصیلی سندی و دلالتی، روایات را اثبات و بسیاری از روایات جعلی را نیز رد نمود. پر مسلم است برای اثبات و استحکام بخشی به یک روایت و یا رد و اثبات ضعف آن ابتدائاً می‌بایست آن را در مرحله صدور و از منظر سندی و رجالی مورد واکاوی قرار داد لذا علامه میر حامد حسین علاوه بر بحث‌های دقیق رجالی و سندی، متناسب با جایگاه بحث، به بررسی و نقادی کتب و مؤلفین آن‌ها پرداخته است. در مواردی هم علاوه بر اثبات قوت و یا ضعف یک کتاب به اصل وجود و نگارش یک کتاب و یا عدم وجود خارجی آن نیز استدلال نموده است. این نوشتار در تلاش است تا با مدنظر قرار دادن و واکاوی عملکرد علامه میر حامد حسین هندی به یک چارچوب و قالب و روش عملی در بررسی و نقد کتاب دست یابد. لذا با ذکر چند مصداق از بررسی‌ها می‌نگرد که وی از چه روش‌هایی بدین کار دست یازیده است. نیز نیم‌نگاهی خواهیم انداخت به روش‌ها و دقت نظرهای کلی علامه در این موضوع.



فارغ از اینکه به این متدها در چه جایگاهی اعم از رد یا اثبات بدانها پرداخته است. مبحث دوم مربوط به بحث منبع شناسی خود کتاب شریف عبقات الانوار است که با معرفی منابع مورد استدلال علامه در مباحثش خواهیم دید که گستره موضوعی مباحث علامه به چه اندازه بوده و در چه موضوعاتی و به چه کتبی استدلال نموده‌اند. و همچنین خواهیم شناخت که سطح علمی کتاب‌های مورد استناد وی چه بوده و از این منظر جایگاه کتب علمای هم‌عصر و هم‌مرز و بوم نیز در استنادات و استدلال‌ات علامه تا حدی روشن خواهد شد.

واژگان کلیدی: میر حامد حسین هندی، شاه عبدالعزیز دهلوی، کتاب، منبع شناسی، عبقات الانوار، تحفه اثنا عشریه، روش

مقدمه

یکی از عرصه‌های که علامه میرحامد حسین هندی^۱ در عبقات الانوار در جواب شبهات تحفه اثنا عشریه شاه عبدالعزیز دهلوی^۲ به آن پرداخته است، بحث پی‌رامون کتاب و منبع می‌باشد.

۱. علامه سید میر حامد حسین هندی از متکلمین بزرگ و جزو مفاخر شیعه در اوائل سده سیزده هجری قمری در تاریخ پنجم محرم‌الحرام سال ۱۲۴۶ ه.ق در شهر میرت لکهنو (Lucknow- Meerut) چشم به جهان گشود. اجداد علامه میر حامد از سادات موسوی بودند و در سلسله انساب علویان، وی با ۲۷ واسطه، به امام کاظم موسی بن جعفر علیهماالسلام می‌رسد. علامه عالمی پرتتبع و بر آثار و اخبار و میراث علمی اسلامی مطلع و احاطه کامل داشت تا حدی که هیچ‌یک از معاصران و متأخران و حتی بسیاری از علمای پیشین به پایه وی نرسیدند. وی همه عمر خویش را در مرزبانی و حفاظت از شریعت و اعتقادات دینی صرف نمود و در این راستا هر چه در توان داشت را بکار بست و تألیفات متعدد و مثنوی را سامان داد که مهم‌ترین آن‌ها عبقات الانوار فی امامه ائمه الاطهار می‌باشد. سرانجام در سن ۶۰ سالگی در هیجدهم ماه صفر سال ۱۳۰۶ ه.ق در کتابخانه خود درگذشت و جهان شیعه را داغدار نمود. او حتی یک روز قبل از وفات، سرگرم کارهای علمی‌اش بود. آرامگاه ابدی وی در حسینیه غفرانمآب واقع در لکهنو می‌باشد که مزارش مورد توجه مردم و اهالی آن دیار است.

۲. نام وی شیخ محدث عبدالعزیز ولی‌الله بن عبدالرحیم عمری دهلوی بوده و در ۲۵ ماه رمضان المبارک سال ۱۱۵۹ ه.ق متولد شد. مولوی عبدالعزیز دهلوی یا شاه صاحب، رهبر یک حرکت علمی و پیشوای یک جنبش فرهنگی در راه انتشار مذهب سنی است. شاگردان او بعدها هر کدام استاد بزرگی شدند. به خاطر تلاش‌ها و کوشش‌هایش که مهم‌ترین آن حمله به شیعه بود قومش او را به چراغ هند ملقب نمودند. آوازه



مباحث در این رابطه به طور کلی از دو زاویه قابل طرح است، در وهله اول درصددیم بنگریم فعالیت‌های علامه نسبت به کتاب‌ها و اثبات و رد آن‌ها چه بوده است؟ و در ثانی اینکه استدلال‌ها و استنادهای خود عبقات الانوار، به چه کتبی بوده و آنها چه رتبه‌ای از نظر اتقان داشته‌اند؟ و نیز حجم و گستردگی موضوعی این کتاب‌ها در چه اندازه‌ای بوده است؟

لازم به ذکر است که همانند روشی که علامه در بحث بررسی افراد در عبقات داشته است در بخش بررسی کتاب‌ها نیز همان روند را دنبال کرده و بررسی‌ها را می‌توان در دو بخش توثیق و تأیید منبع و کتاب و بخش دی‌گر، رد و قده یک کتاب جای داد.

اثبات و توثیق کتاب

یکی از مواردی که علامه به این کار یعنی اثبات و توثیق یک منبع و کتاب اقدام می‌کند در جایی است که آن کتاب یا در دسترس نیست و تنها گزارش و نقل‌هایی درباره آن موجود می‌باشد، یا قدحی نسبت به آن کتاب موجود است که در صدد رفع آن است، در مواردی هم تنها برای استحکام بخشی به استناد و استدلالش به توثیق یک کتاب روی می‌آورد.

بررسی‌های گسترده کتاب‌ها در عبقات، شایستگی مطرح‌شدن به عنوان کتابی مستقل یا بررسی شدن تحت عنوان یک کتاب مستقل یا پایان‌نامه را دارا می‌باشند.

نمونه ۱: کتاب ابن عقده

علامه میر حامد حسین در بحث اثبات تواتر حدیث غدیر به کتاب ابن عقده استناد می‌ورزد که در مرحله اول این سخن را مطرح می‌نماید که چنین کتابی وجود داشته و چنین مطالبی نیز در آن منعکس شده است.

اما چون آن کتاب در دسترس نمی‌باشد علامه تمام همت خود را بکار بسته تا اثبات کند این کتاب وجود داشته و مورد استناد علما بوده و نسبتش نیز به ابن عقده درست است:

شهرت وی و پدرش حتی امروزه نیز در میان اهل سنت موجود است و کتب و اقوال وی بسیار مورد استناد علما و عموم اهل سنت به‌ویژه در شبه‌قاره و ایران قرار می‌گیرد. وی در هفتم شوال سال ۱۲۳۹ ه.ق از دنیا رفت.

و ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید بن عبدالرحمن بن ابراهیم بن زیاد بن عبد الله ابن عجلان العقدي الكوفي المعروف بابن عقده که از اعظم حفاظ معتمدین و مشاهیر محدثین معتبرین اهل سنت است و حفظ و اتقان او بجایی رسیده که (علی ما صرح به الدارقطنی) به اجماع اهل کوفه حافظتری از او از عهد ابن مسعود تا زمانش دیده نشده کتابی مستقل در جمع طرق این حدیث شریف تصنیف فرموده و از قریب صد کس از صحابه آن را به اسانید خود نقل کرده.^۱

سپس به مدح شخص ابن عقده پرداخته و در ادامه به جرح این کتاب و شخص توسط شاه صاحب و کابلی اشاره نموده و ضمن پاسخ به آنها به اسامی بیش از ده نفر اشاره می کند که از مثبتین و مویدین کتاب ابن عقده می باشند.

مستتر نماند که از ما سبق ظاهر شده که مثبتین کتاب ابن عقده در جمع طرق حدیث غدیر و اثبات آنکه آن را کتاب الموالاة هم گویند چند کس از اکابر و اعظم و اجله و افاخم ائمه سنیه اند:...

سپس در ۳۰ صفحه یک به یک به اسامی افرادی که جزو مثبتین و راویان این کتاب می باشند اشاره و آنها را مدح می نماید.

نمونه ۲: سر العالمین

حدیث غدیر و ماجرای بعد از آن یعنی تهنیت عمر را، علامه از کتاب سرالعالمین غزالی نیز نقل می کند. چون شاه عبدالعزیز نسبت آن کتاب به غزالی را صحیح نمی داند علامه با استناد به کلام ذهبی و ابن جوزی می گوید:

و صحت نسبت کتاب «سر العالمین» به حضرت غزالی، چنانچه از تصریح سبط ابن الجوزی ظاهر شده، همچنان ابو عبد الله أحمد بن محمد بن عثمان ذهبی که کمال تحقیق و تنقید او مسلم اعظم سنیه می باشد و به نقل اقوال پر تعصبش در ابطال احادیث فضائل مرتضویه علمای قوم به وجد می آیند و بر خود می بالند و فاضل مخاطب هم او را

۱. هندی، میرحامد حسین، عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، ج ۱، ص ۲۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۷۹.



به جواب «حدیث طیر» به امام اهل الحدیث ملقب می‌سازد، به تصریح صریح «سر العالمین» را به غزالی حتماً و جزماً نسبت کرده، چنانچه در «میزان الاعتدال» گفته: ^۱
و بعد از نقل قول و اثبات می‌فرماید:

و بعد از منسوب ساختن سبط ابن الجوزی و ذهبی «سر العالمین» را به غزالی علی القطع و الیقین انکار شاه صاحب در باب مکاید از نسبت آن به غزالی لائق التفات نیست.

نمونه ۳: ذخائرالعقبی

در بحث حدیث منزلت، علامه میر حامد حسین روایتی از کتاب ذخائرالعقبی می‌آورد سپس از قول یکی از علما به توثیق آن کتاب می‌پردازد:

و احمد بن عبد الله محب این الطبری که فضائل و مناقب فاخره و محاسن و محامد زاهره او از افادات امام المحدثین سنیه اعنی ذهبی در تذکره معجم مختص و تصریحات دیگر اکابر و اعظام قوم ظاهر است و واضح است در کتاب ذخائرالعقبی که علامه احمد بن الفضل بن محمد باکثیر که از مشایخ علمای مکه معظمه است در وسیله المال آن را به مدح عظیم و ثنای فخیم یاد کرده یعنی آن را از احسن مؤلفات در مناقب اهل بیت علیهم السلام و انفع ما نقل عنه فی تصنیفه دانسته و گفته که سزاوار است که نوشته شود با زر و مصنف آن را به علامه حجاز شریف و محقق دهر و حافظ عصر ستوده. ^۲

نمونه ۴: روضه الصفا

در مواردی علامه، گفتار شاه عبدالعزیز و استناد وی به کتابی را دلیلی بر مورد اعتماد بودن کتاب قلمداد نموده و بدان استناد می‌نماید:

محتجب نماند که اعتماد و اعتبار کتاب روضه الصفا بحمد الله المنعم از کلام خود مخاطب کما بیننا فی مجلد حدیث الغدیر ثابت و متحقق است پس معتقدین مخاطب تحریر را امکانی و مساعی نیست که سر از قبول افاده صاحب روضه الصفا بتابند و کردن استکبار و استنکار دراز نمایند و بیان ثبوت اعتبار روضه الصفا از کلام مخاطب کثیر الحیاء

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۴۲.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۷۴۰.

آن است که حضرت او در جواب طعن سوم از مطاعن اُبی بکر بعد ذکر قصه تجهیز جیش اُسامه گفته این ست آنچه در روضه الصفا و روضه الاحباب و حبیب السیر و دیگر تواریخ معتبره شیعه و سنی موجود است انتهی ازین عبارت ظاهر است که تاریخ روضه الصفا مثل حبیب السیر و روضه الاحباب از تواریخ معتبره است...^۱

یا در مقامی دیگر به قول شاه صاحب استناد نموده که معترف به صحت کتاب روضه الصفا و دو کتاب دیگر است:

و چون در این مقام نقل از «معارج النبوة» و «روضه الصفا» و «حبیب السیر» نمودم، بحمد الله اعتبار و اعتماد آن از افادات خود شاه صاحب باثبات رسانم. پس باید دانست که شاه صاحب در «باب المطاعن» به این هر سه کتاب استناد کرده اند...^۲

نمونه‌های دیگر از توثیق‌ها و تمدیح‌ها

نمونه‌های فراوانی از این توثیق‌ها و تمدیح‌ها موجود می‌باشد که به علت اختصار تنها به نام بعضی از آن کتب به صورت گذرا به همراه آدرس محل بحث اشاره می‌شود:

کتاب الولایه، ابن جریر طبری: عبقات الانوار ج ۱، ص ۱۲۳.

کتاب درایه حدیث الولایه، سجستانی: عبقات الانوار ج ۱، ص ۱۵۲.

کتاب دعاء الهداء الی أداء حق المولاء، عبد الله الحسکانی: عبقات الانوار ج ۱، ص ۱۳۶.

کتابی پیرامون طرق حدیث غدیر، شمس الدین ذهبی: عبقات الانوار ج ۱، ص ۱۵۶.

کتاب حصن حصین، ابن الجریزی: عبقات الانوار ج ۱، ص ۱۷۱.

کتاب التفسیر، ابولیت سمرقندی: عبقات الانوار ج ۸، ص ۲۷۱.

کتاب تفسیر، الثعلبی: عبقات الانوار ج ۹، ص ۳۶۲.

کتاب درر السمطین، زرنندی: عبقات الانوار ج ۹، ص ۳۸۳.

کتاب خمیس فی نفس النفیس، بکری مالکی: عبقات الانوار ج ۱۱، ص ۷۴۱.

کتاب صحائف، محمد سمرقندی: عبقات الانوار ج ۱۶ بخش ۱، ص ۸۹.

۱. همان، ج ۱، ص ۶۵۸.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۳۰۷.

کتب جوامع سته: علامه برحسب نیاز و از باب الزام خصم در مواردی در استنادهایش به جوامع استناد جسته و در مقام تمدیح آنها، به کلام علمای اهل سنت و حجت دانستنشان اشاره نموده است.

قدح و رد کتاب

می‌توان گفت در بحث رد کتاب، علامه مباحث و مطالب مفصل‌تری نسبت به اثبات و مدح دارد، نمونه بارز آن بحث قدح صحیحین می‌باشد که ده‌ها صفحه را به خود اختصاص داده است؛ البته این تمدیح و قدحی که ایشان نسبت به صحیحین در کتاب خود دارند به خاطر بحث الزام خصم و مناظره می‌باشد که به چنین کاری دست می‌زنند و این حالت در کتب دیگری که مورد بررسی قرار گرفته موجود نمی‌باشد.

نکته‌ای که در این مقام مناسب است اشاره شود این است که یکی از تفاوت‌های روش علامه در مدح و قدح یک کتاب این است که معمولاً در قدح‌ها، مؤلف قدح نمی‌شود اما در تمدیح‌ها، علامه در بیشتر موارد، در کنار تمدیح کتاب، به تمدیح مؤلف نیز پرداخته است.

نمونه ۱: صحیحین

عدم نقل حدیث غدیر توسط صحیحین، بهانه‌ای برای معاندین گشته تا بگویند که این حدیث معتبر نیست چون در صورت معتبر بودن در صحیحین مذکور می‌گشت! علامه در جواب این پندار غلط تمام جلد ۲ که حدود ۶۰۰ صفحه می‌باشد را کاملاً به نقد صحیحین و مباحث پیرامون آن اختصاص داده است و در این راستا این موارد را مطرح و بحث می‌نماید:

قاعده تقدم مثبت بر نافی

احادیث صحیحه منحصر در صحیحین نیست.

صحیح بخاری و مسلم جامع تمام احادیث صحیحه نیستند.

نبودن حدیثی در صحیحین قادیح آن حدیث نیست.

اگر حدیث غدیر در صحیحین بود باز متعصبان قبول نمی‌کردند.

عدم ذکر متواترات در صحیحین.

حدیث غضب فاطمه ۳ با وجود مذکور بودن در صحیحین، اهل سنت آن را قدح می‌نمایند.



اهل سنت به صحت همه احادیث صحیحین معتقد نیستند.
 جمعی از اکابر صحیحین را از اعتبار ساقط نموده‌اند!
 برخی از روایات مطعونه در صحیحین موجود است.
 و ...

نمونه ۲: العثمانیه

در بحث بررسی شخصیت جاحظ و در مقام قدح وی علامه میر حامد حسین به کتاب العثمانیه نوشته جاحظ اشاره می‌نماید که در آن به امام علی (ع) اهانت‌ها و جرح‌ها صورت گرفته، در ابتدا، اصل نگارش و وجود کتاب را توسط سخنان اهل سنت اثبات نموده سپس به نقد محتوایی کتاب پرداخته و با ذکر نمونه‌هایی به پاسخگویی و نقادی مباحث می‌پردازد و این نقد و جرح جاحظ و کتاب و محتویاتش را در طول جلد ۳، ۴ و اوائل جلد ۵ ادامه داده است.

نمونه ۳: العین

رازی در استدلال‌اتش به العین خلیل اشاره می‌نماید، علامه علاوه بر اینکه به اقوال علمایی اشاره می‌دارد که العین را جرح نموده‌اند به کلام خود رازی در مقامی دیگر نیز استناد می‌کند که العین را قدح نموده و با این وجود به آن استناد می‌نماید!
 سوم: آنکه علاوه بر ما ذکر بسیاری از اکابر محققین اعلام و آجله اساطین فخام سنیه در «کتاب العین» قدح و جرح کرده‌اند، چنانچه از ملاحظه «مزه‌ر» سیوطی و «کشف الظنون» ظاهر است، پس تمسک و احتجاج بجمیع ما فی «کتاب العین» نزد قادحین و جارحین آن، سمت جواز ندارد چه جا که تمسک و احتجاج بعدم ذکر لغتی یا عدم ذکر معنایی برای لغتی در آن توان نمود.^۱
 بعد از نقل اقوال می‌فرماید:

پس کمال عجب است که خود رازی اطباق جمهور اهل لغت بر قدح «کتاب العین» تصنیف خلیل ثابت می‌سازد و باز به دعوی عدم ذکر خلیل تفسیر «مولی» بأولی

تشبث و تمسک می‌کند، حال آنکه حسب افاده او اثبات و ذکر «کتاب العین» قابل احتجاج و استدلال نیست، چه جا عدم ذکر لغتی و معنایی در آن!^۱

نمونه ۴: تحفه اثنا عشریه و الصوابع

مسلم خود کتاب شریف عیقات الانوار تماماً در مرحله اول نقد کتاب تحفه اثنا عشریه و در ثانی الصوابع کابلی می‌باشد^۲، همان‌طور که مشخص است این کتاب در جواب تحفه نگاشته شده است پس مسلماً علامه میر حامد حسین تمام تلاش خود را نموده است که با طرق مختلف و متعدد و با طرح مباحث حجیم در ده‌ها جلد به قدح این کتاب بپردازد. لذا در راستای قدح این دو کتاب علامه از هیچ تلاشی فروگذاری ننموده و به بهترین وجه و روش به این مهم پرداخته است.

در اصل نگارش تحفه و نسبتش به شاه صاحب^۳ و پرده برداری علامه از آن، نیز مباحث و گفتار فراوانی وجود دارد که از آن صرف‌نظر می‌نماییم.

برقراری رابطه‌های چند طرفه

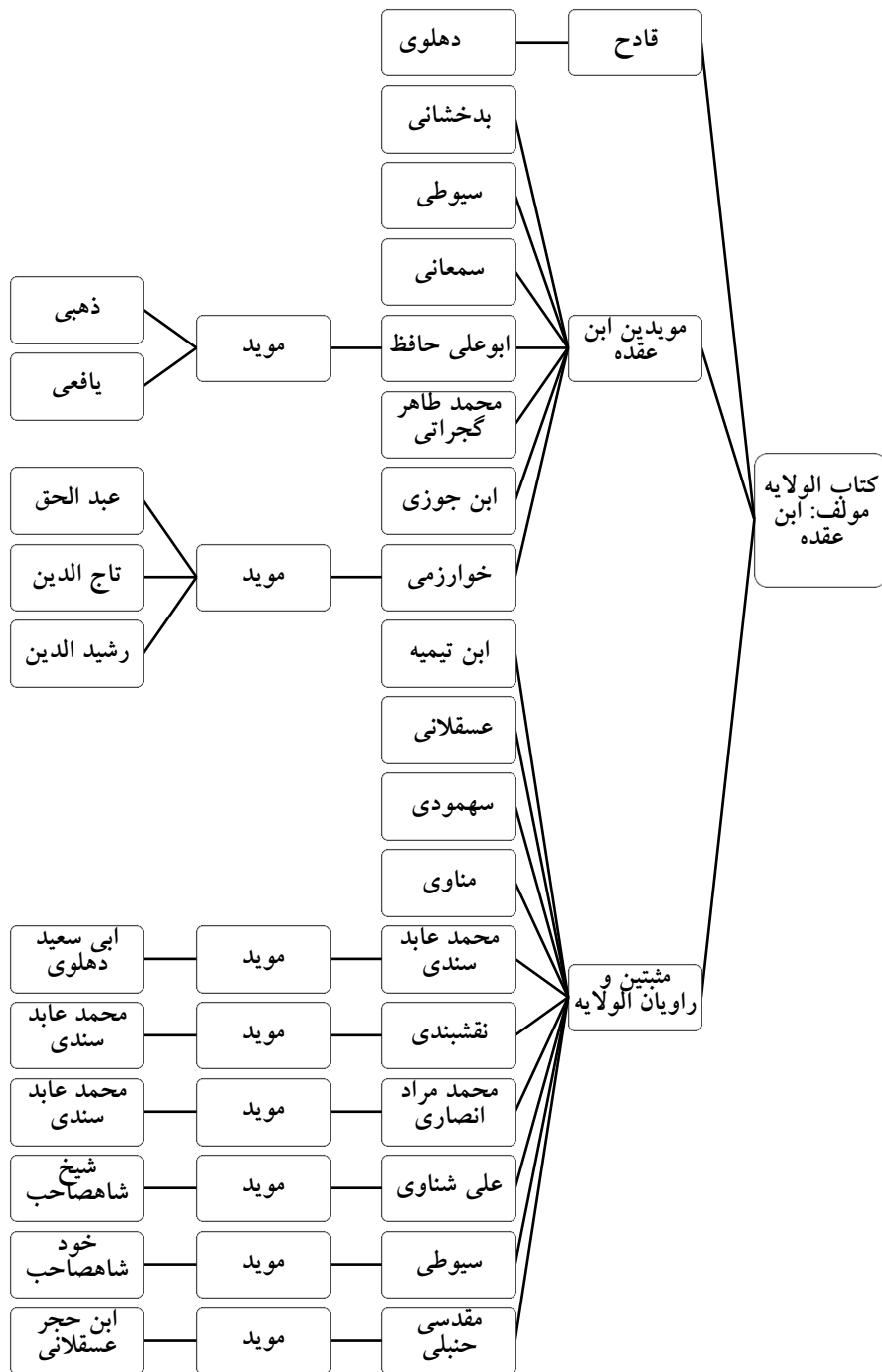
علامه گاهی در مواردی در مدح فردی، مادح آن را نیز مدح می‌نماید و این روند بعضاً تا سه‌الی چهار مرحله نیز تداوم پیدا می‌کند؛ یعنی مدح مادح مادح! همین حالت در مواردی در باب بررسی کتب نیز دیده می‌شود. به تعبیری گاهی بر گره‌های قبلی می‌زند تا استحکام و ایقان استنادش بیش‌ازپیش شود؛ که ما از آن به برقراری رابطه‌های چند طرفه در مدح‌ها تعبیر می‌نماییم.

به عنوان مثال؛ ابن عقده کسی است که پی‌رامون حدیث غدی را کتابی به نام الوالی^۴ دارد که در آن سندهای حدیث غدی را ذکر شده است، عده ای وی و کتابش را قدح نموده‌اند که علامه می‌رحامد با برقراری همین رابطه‌ها سعی در نشان دادن اعتبار ابن عقده و کتابش دارد:

۱. همان، ج ۹، ص ۵۹.

۲. البته لازم به ذکر است که عیقات الانوار، تنها در جواب باب هفتم تحفه اثنا عشریه نگاشته شده است.

۳. منظور شاه عبدالعزیز دهلوی می‌باشد که توسط علامه میر حامد حسین در عیقات الانوار با این عنوان مورد خطاب قرار گرفته است.



استناد به کتب و علمای معاصر خویش و هم‌مرز و بوم

علامه تقریباً در تمامی مباحث سندی و دلالی و ...، به اقوال و کتب علمای شبه‌قاره هند و هم‌عصر خویش نیز استناد جسته است، علت این امر را می‌توان در موارد زیر ریشه‌یابی کرد:

۱. اقتضای مباحث و طبیعت حکم می‌کند که فرد به علما و کتب همان منطقه زیستش استناد ورزد.

۲. خود شاه عبدالعزیز نیز در مواردی در استدلالات، چه در تحفه و چه در کتب دیگر به این علما و کتب استناد ورزیده است و بعضی از این افراد از شیوخ و اساتید شاه صاحب و پدرش می‌باشند.

۳. علمای موجود در آن زمان و کتاب‌هایشان در شبه‌قاره هند، به معنای واقعی جزو اجلاء و از پایه‌های مذهب بوده‌اند و آوازه شهرت و اعتبارشان تا کیلومترها دور و در سایر کشورهای اسلامی به‌وضوح نمایان بوده است؛ به‌عنوان مثال پدر صاحب تحفه یعنی شاه ولی‌الله دهلوی؛ که حتی امروزه نیز می‌توان با مشاهده کتب و سخنان اهل سنت نام وی و سایر علما را فراوان مشاهده کرد که باگذشت دهه‌ها، هنوز نیز مورد اعتماد و مرجع هستند.

۴. خود مردم هند که تحفه اثناعشریه بینشان گسترش یافت و مخاطب عبقات الانوار نیز همان‌ها بوده‌اند، این علما و کتبشان بین آن‌ها شهرت داشته و به‌عنوان مرجع تلقی می‌شدند و بدیهی است که استناد به قول و کتب آن‌ها که شناخته‌تر از علمای مناطق دیگر در آن زمان بوده‌اند منطقی‌تر و قابل قبول‌تر می‌نماید و به علت هم‌عصر بودن، مردم بعینه شاهد علما بوده‌اند و یا درباره‌شان شنیده بودند و عملاً نیازی به توثیق آن‌ها از کتب رجال نبوده!

بایستی این نکته توسط دیگر افرادی که قصد پاسخگویی به شبهه‌ها و مناظره را دارند نیز مورد توجه قرار گیرد، یعنی بدین معنی که در استدلالات، به علما و کتب خصم توجه داشته و از کلام آن‌ها نیز استفاده جویند تا قدرت اقناعی استدلالات بیشتر شود.

مواردی از این ارجاعات

نمونه:

علامه بعد از ذکر حدیث غدیر از طرق متعدد و از منابع و علمای معتبر، از کتب و علمای شبه‌قاره و هم‌عصر نیز این حدیث را نقل می‌نماید که در این رابطه اسامی این علما و کتبشان به چشم می‌خورد:

علی بن حسام الدین المتقی الهمدی؛ محمد طاهر فتنی؛ محمد محبوب عالم؛ حسام الدین بن محمد بایزید سهارنیوری؛ میرزا محمد بن معتمد خان بدخشانی؛ محمد صدر عالم؛ شاه ولی الله دهلوی؛ رشید خان دهلوی؛ محمد مبین لکهنوی؛ محمد سالم دهلوی؛ ولی الله لکهنوی.

نمونه

در مدح عبدالقادر حنفی به کتاب سبحة المرجان فی آثار هندوستان نوشته غلام علی بلگرامی استناد می‌ورزد:

و فاضل تحریر غلام علی آزاد بن السید نوح البلکرامی هم عبد القادر را بمدائح عظیمه و مناقب فخریه ستوده چنانکه در سبحة المرجان فی آثار هندوستان بترجمه محمد طاهر گجراتی گفته: و من أحفاده الشيخ عبد القادر بن...^۱

نمونه

در مدح سناء الله پانی پتی:

و جلالت شأن قاضی سناء الله در این دیار مشهور و فضائل و مناقب جمیله او بر السنه عوام و خواص مذکور است...^۲

نیز در مقامی دیگر گفته:

و قاضی سناء الله پانی، تلمیذ رشید شاه ولی الله، که شاه صاحب او را بیهقی وقت می‌گفتند کما فی «تحاف النبلاء» و نبذی از محامد جلیله و مناقب سنیه او سابقا شنیدی، در «سیف مسلول» گفته...^۱

۱. هندی، میر حامد حسین، عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، ج ۱، ص ۸۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۴.

منبع شناسی عباقت

حال می‌رسیم به بحث دوم یعنی اینکه می‌بینیم علامه خود در استدلال‌ها و طرح مباحثش به چه کتبی استناد نموده و گستردگی موضوعی آن‌ها به چه اندازه بوده است. باید عرض شود تمام سعی و کوشش علامه میر حامد حسین، استناد به معتبرترین کتاب‌ها بوده و این مهم از مباحث و سخنان خود علامه در حین استناد و ارجاع و با خواندن زندگینامه وی مشهود است که برای یافتن یک کتاب و خریدن آن به چه سفرهای طاقت‌فرسایی می‌رفته و چه مشقت‌هایی را متحمل می‌شده تا اصلی‌ترین منابع در آن رشته را به دست آورده یا مطالعه و استنساخ نماید؛ نیز در مواردی که از وجود کتابی نزد خویش خبر می‌دهد _ حتی حصول کتاب به صورت قرض و ودیعه _ چنان شغف زائد الوصفی او را حاصل می‌شود که قابل توصیف نمی‌باشد و آن را منتی از جانب خدای متعال می‌داند.

چیزی که عجیب می‌نماید این است که با مشاهده تعداد کتبی که وی بدان‌ها استناد ورزیده و با مدنظر قرار دادن زمانی که می‌زیسته و نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی که فرسنگ‌ها با کتب و منابع اولیه فاصله داشته لیکن در مقام عمل شاهد چنان نمایشی هستیم که هر منصفی داد شجاعت و تحسین خواهد داد و مسلماً به آن چیزی جز عنایت و کرامت خالق منان نمی‌توان گفت. شخصی که تمام عمر و مال و زندگی‌اش را در جمع‌آوری کتاب و پایه‌گذاری کتابخانه وقف نمود.

لیست اهم منابع عباقت

مشهورترین کتاب‌های حدیثی که وی به آن‌ها رجوع نموده:

- ۱- جوامع سته و شروح آن. ۲- موطأ و شروح آن. ۳- الجمع بین الصحیحین. ۴-
- الجمع بین الصحاح السته. ۵- معاجم طبرانی. ۶- مستدرک علی الصحیحین. ۷- مسانید معتبره، مشهورترین آنها: مسند أحمد. ۸- کتب سنن. ۹- المشکاة و شروح آن. ۱۰- جامع الأصول. ۱۱- الجامع الصغیر و شروح آن. ۱۲- کنز العمال.
- در مورد سایر علوم نیز، به کتب اهل سنت در همان علم و فن، رجوع نموده است:

در تفسیر

- ۱- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی. ۲- تفسیر الجلالین. ۳- مفاتیح الغیب-
- التفسیر الکبیر، فخر رازی. ۴- غرائب القرآن، نظام الدین نيسابوری. ۵- تفسیر القرآن،
- محمد بن جریر طبری. ۶- الکشاف، جار الله زمخشری. ۷- التفسیر الوسیط، ابی الحسن
- واحدی. ۸- تفسیر القرآن، ابن عربی اندلسی. ۹- البحر المحیط، ابی حیان اندلسی. ۱۰-
- أنوار التنزیل، تفسیر قاضی بیضاوی. ۱۱- السراج المنیر، خطیب شریینی. ۱۲- الدر المنثور،
- جلال الدین سیوطی. ۱۳- الدر اللقیط من البحر المحیط، تاج الدین قیسی. ۱۴- التفسیر
- الحسینی- المواهب العلیة، حسین کاشفی. ۱۵- تفسیر روح المعانی، شهاب الدین آلوسی.
- ۱۶- فتح البیان، صدیق حسن خان قنوجی. ۱۷- الکشف و البیان، ابو إسحاق ثعلبی. ۱۸-
- لباب التأویل، علاء الدین الخازن. ۱۹- معالم التنزیل، بغوی. ۲۰- تفسیر شاهی، محمد
- محبوب عالم. ۲۱- النهر الماد من البحر المحیط، اثیر الدین أبوحیان.

در سیره و فضائل أئمه علیهم السلام

- ۱- السیره النبویة معروف به سیره ابن هشام. ۲- انسان العیون، نور الدین حلبی.
- ۳- السیره النبویة، احمد زینی دحلان. ۴- سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد،
- دمشقی. ۵- الروض الأنف فی شرح السیره، سهیلی. ۶- الشفا فی تعریف حقوق المصطفی
- و شروح آن. ۷- المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة و شرح آن از زرقانی. ۸- الخصائص
- الکبری، جلال الدین سیوطی. ۹- فضائل أمير المؤمنین علی (ع)، احمد بن حنبل. ۱۰-
- الإتحاف بحب الاشراف، عبد الله شبراوی. ۱۱- احیاء المیت بفضائل اهل البيت، سیوطی.
- ۱۲- استجلاب ارتقاء الغرف، شمس الدین سخاوی. ۱۳- اسعاف الراغبین، محمد الصبان
- مصری. ۱۴- جواهر العقیدین، نور الدین سمهودی. ۱۵- خصائص علی بن أبی طالب (ع)،
- نسائی. ۱۶- ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محب الدین طبری. ۱۷- الرياض
- النضرة، محب الدین طبری. ۱۸- کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب (ع)، کنجی
- شافعی. ۱۹- المناقب، فقیه ابن مغزلی. ۲۰- المناقب، موفق بن احمد خوارزمی.

در فقه

- ۱- المبسوط، شمس الدين سرخسى. ۲- بدائع الصنائع، كاشانى. ۳- الهداية و شروح آن. ۴- نيل الأوطار، شوكانى. ۵- احكام الاحكام فى شرح عمدة الاحكام، عماد الدين حلبى. ۶- المحلى، ابن حزم اندلسى.

در اصول فقه

- ۱- المختصر، ابن الحاجب و شروح آن. ۲- الأصول، سرخسى. ۳- الأصول، بزودى و شروح آن. ۴- المنار و شروح آن. ۵- مسلم الثبوت و شروح آن. ۶- المحصول، فخر رازى. ۷- التلويح فى شرح التنقيح، تفتازانى. ۸- التحرير، ابن همام و شروح آن. ۹- الاحكام فى اصول الاحكام، آمدى. ۱۰- الاحكام فى أصول الاحكام، ابن حزم. ۱۱- ارشاد الفحول، شوكانى. ۱۲- نهاية العقول، فخر رازى.

در شناخت صحابه:

- ۱- الاستيعاب، ابن عبد البر. ۲- الاصابة، ابن حجر. ۳- أسد الغابة، ابن الأثير. ۴- تجريد أسماء الصحابة، ذهبى.

در شناخت احاديث جعلى، مشهور و متواتر:

- ۱- موضوعات، ابن جوزى. ۲- اللئالى المصنوعة، سيوطى. ۳- التعقبات على الموضوعات، سيوطى. ۴- الموضوعات، محمد طاهر فتنى. ۵- الموضوعات، على قارى. ۶- تذكرة الموضوعات، عبد الحق هندى. ۷- العلل المتناهية فى الأحاديث الواهية، ابن جوزى. ۸- تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأحاديث الشنيعة الموضوعية، ابن عراق. ۹- مختصر تنزيه الشريعة، رحمه الله هندى. ۱۰- الفوائد المجموعة فى الأحاديث الموضوعية، شوكانى. ۱۱- الدرر المنتثرة فى الأحاديث المشتهرة، سيوطى. ۱۲- المقاصد الحسنة فى الأحاديث المشتهرة على اللسنة، سخاوى. ۱۳- الدرر المتناثرة فى الأحاديث المتواترة، سيوطى.

در شناخت ضعفاء، جاعلين، مدلسين

- ۱- الضعفاء و المتروكين، بخارى. ۲- الضعفاء و المتروكين، نسائى. ۳- كشف الأحوال فى الرجال، عبد الوهاب مدراسى. ۴- الكشف الحثيث عن رمى بوضع الحديث، سبط ابن العجمى. ۵- التبيين لأسماء المدلسين، سبط ابن العجمى. ۶- تمييز الطيب من الخبيث، شيبانى. ۷- المغنى فى الضعفاء، ذهبى.

در شناخت رجال حدیث

- ۱- تهذیب الکمال، مزى. ۲- تهذیب التهذیب، ذهبی. ۳- تهذیب التهذیب، ابن حجر. ۴- تقریب التهذیب، ابن حجر. ۵- خلاصه تهذیب التهذیب الکمال، خزرجی. ۶- الکمال فی أسماء الرجال، عبد الغنى مقدسى. ۷- الجمع بین رجال الصحیحین، ابن قیسرانی مقدسى. ۸- الکاشف عن أسماء رجال الصحاح الستة، ذهبی. ۹- میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ذهبی. ۱۰- لسان المیزان لابن حجر، عسقلانی. ۱۱- الثقات، ابن حبان. ۱۲- أسماء رجال المشکاة، خطیب تبریزی و غیره.

در درایه و قواعد حدیث

- ۱- علوم الحدیث، ابن صلاح. ۲- التقیید و الإیضاح، زین عراقی. ۳- التقریب، نووی. ۴- تدریب الراوی، سیوطی. ۵- شرح ألفیه الحدیث، زین عراقی. در کلام: ۱- شرح لمقاصد، تفتازانی. ۲- شرح المواقف، جرجانی. ۳- شرح التجرید، قوشچی.

در تراجم علما

- ۱- اتحاف الوری بأخبار أم القرى، ابن فهد مکی. ۲- اخبار الأخیار، عبد الحق دهلوی. ۳- اخبار أصبهان، ابی نعیم حافظ. ۴- الأنساب، سمعانی. ۵- التاج المکمل، صدیق حسن قنوجی. ۶- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی. ۷- التدوین بذكر علماء قزوین، رافعی. ۸- تذکره الحفاظ، ذهبی. ۹- تراجم الحفاظ، بدخشانی. ۱۰- تهذیب الأسماء و اللغات، نووی. ۱۱- خلاصه الأثر فی اعیان القرن الحادی عشر، محبی. ۱۲- الدرر الكامنة فی اعیان المائة الثامنة، ابن حجر. ۱۳- دول الإسلام، ذهبی. ۱۴- الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، سخاوی. ۱۵- سبحة المرجان فی علماء هندوستان، بلکرامی. ۱۶- سیر أعلام النبلاء، ذهبی. ۱۷- طبقات الحفاظ، سیوطی. ۱۸- طبقات الشافعیة، سبکی و اسنوی و ابن قاضی شهبه أسدی. ۱۹- طبقات الصوفیة، سلمی. ۲۰- طبقات القراء، ابن جزری. ۲۱- طبقات المفسرین، داودی. ۲۲- الطبقات، محمد بن سعد. ۲۳- العبر فی خبر من غیر، ذهبی. ۲۴- العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، فاسی. ۲۵- فوات الوفيات، ابن شاکر. ۲۶- کتابت اعلام الأخیار، کفوی. ۲۷- لواقح الأنوار فی طبقات الأخیار، شعرانی. ۲۸- الجواهر المضية فی طبقات الحنفیة، قرشی. ۲۹- مرآة الجنان، یافعی. ۳۰- معجم الأدباء، یاقوت حموی. ۳۱- اتحاف النبلاء المتقین، صدیق حسن خان. ۳۲- البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن

السابع، شوکانی. ۳۳- بغيه الوعاء في طبقات اللغويين و النحاة، سيوطي. ۳۴- وفيات الأعيان، ابن خلكان. ۳۵- الوافي بالوفيات، صفدي. ۳۶- النور السافر في اعيان القرن العاشر، عيدروسى. ۳۷- سلك الدرر في اعيان القرن الحادى عشر، محمد خليل مرادى.

در تاريخ

۱- تاريخ طبرى. ۲- تاريخ ابن أثير. ۳- تاريخ ابن خلدون. ۴- تاريخ يعقوبى. ۵- مروج الذهب، مسعودى. ۶- تاريخ المظفرى، ابن أبى الدم. ۷- تاريخ الخلفاء، سيوطى. ۸- تاريخ الخميس، دياربكرى. ۹- تاريخ أبى الفداء- المختصر فى اخبار البشر. ۱۰- روضة المناظر، ابن شحنة. ۱۱- النجوم الزاهرة، ابن تغرى بردى. ۱۲- حسن المحاضرة فى اخبار مصر و القاهرة، سيوطى. ۱۳- مرآة الزمان، سبط ابن جوزى. ۱۴- عقد الجمان فى تاريخ اهل الزمان، عينى. ۱۵- فتوح البلدان، بلاذرى.

در غريب الحديث و علوم عربى

۱- النهاية، ابن أثير. ۲- الفائق، زمخشرى. ۳- مجمع البحار، فتنى. ۴- المفردات فى غريب القرآن، راغب. ۵- الصحاح، جوهرى. ۶- المخصص، ابن سيده. ۷- القاموس المحيط، فيروزآبادى. ۸- تاج العروس، زبيدى. ۹- لسان العرب، ابن منظور. ۱۰- النثير فى مختصر نهايه ابن الأثير، سيوطى. ۱۱- أساس البلاغه، زمخشرى. ۱۲- منتهى الارب، صفى پورى. ۱۳- تهذيب اللغة، ازهرى. ۱۴- المزهر فى علوم اللغة، سيوطى. ۱۵- المغنى فى علم النحو، ابن هشام. ۱۶- الأشباه و النظائر فى اللغة، سيوطى. ۱۷- التصريح فى شرح التوضيح، خالد أزهري. ۱۸- مفتاح العلوم، سكاكى. ۱۹- المطول فى علم البلاغه، تفتازانى. ۲۰- الكافية، ابن حاجب و شروح آن.

در شناخت شهرها

۱- معجم البلدان، ياقوت حموى. ۲- مراصد الاطلاع، بغدادى.
و همين طور در كتب اخلاق، تصوف و سلوك، قصص، ادبيات و... در همه زمينهها فراوان به كتب اهل سنت مراجعه نموده است.^۱

۱. در تهیه این لیست از این کتاب کمک گرفته شده است: میلانى، سيد على، نفحات الازهار، ج ۱،

منابع

موسوی ہندی، میر حامد حسین، عبقات الانوار فی امامہ ائمہ الاطہار، چاپ: دوم - ۱۳۶۶ ہ ش،
اصفہان، ناشر: کتابخانہ عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیہ السلام، تعداد جلد: ۲۳.
میلانی، سید علی، نفحات الازہار فی خلاصۃ عبقات الانوار، چاپ: اول - ۱۴۱۴ ہ ق، قم، ناشر:
مہر.

